



شروین گودرزیان، کارشناس
ارشد معماری منظر، دانشگاه
بین المللی امام خمینی (ره) قزوین.
shervin.goodarziyan@gmail.com

رویکردهای منظرین در احیای باغ تاریخی بابر

بازآفرینی منظر فرهنگی

تصویر ۷

Pic 7



Central Axis Landscape : Part Plan

Scale 1:1000
101.3a

تصویر ۷: پلان طرح کاشت
در محور اصلی باغ بابر. مأخذ:
www.archnet.org

Pic7: Central axis Land-
scape plan of Babur garden.
Source: www.archnet.org



چکیده: جایگاه باغ‌های تاریخی و ارزش آنها از لحاظ منظر فرهنگی و نقشی که در بازگویی فرهنگ و تمدن یک جامعه دارند، موجب شده تا حفظ و احیای این مکان‌ها اهمیتی دوچندان پیدا کند. بدین ترتیب در کشورهای با تمدن منظرین و پیشینه باغسازی طولانی، بخش مهمی از فعالیت‌های حفاظتی و مرمتی به حفظ و باززنده‌سازی محوطه‌ها و باغ‌های تاریخی مربوط می‌شود. از سوی دیگر اهمیت این موضوع موجب شده تا رویکردهای متفاوت و گاه متضاد در مرمت و بازآفرینی این میراث فرهنگی شکل گیرد و منشورها و بیانیه‌های مختلفی در خصوص احیای این محوطه‌ها در کنار سایت‌های تاریخی دیگر بیان شود. در بسیاری از این رویکردها توجه به انسان به عنوان عنصری زنده در بازسازی و احیای آنها مطرح شده است. از آنجا که باغ‌های تاریخی بخشی از منظر فرهنگی و در واقع دست‌آورد فرهنگی هر جامعه محسوب می‌شوند و با توجه به لایه‌های تاریخی و فرهنگی نهفته در این باغ‌ها، تنها حفظ و مرمت کالبد و عناصر فیزیکی کافی نیست، بلکه انتقال این ارزش‌های فرهنگی مستلزم حضور انسان در فضا و درک آن است. از این رو تلاش می‌شود تا با تکیه بر ابعاد مختلف تاریخ، فرهنگ، محیط و شهر با ایجاد عملکردها و فعالیت‌های مختلف، مخاطب و زندگی امروزی شهری به این مکان‌های تاریخی افزوده شود. به این ترتیب با این رویکرد نو، نگاهی جدید به بازآفرینی باغ‌ها رخ داده و آن تبدیل باغ‌های تاریخی به فضاهای جمعی است. بنابراین با ایجاد فعالیت‌های انسانی و فرهنگی علاوه بر حفظ و انتقال ارزش‌های فرهنگی این باغ‌ها می‌توان آنها را به فضاهای جمعی زنده و پویای شهری تبدیل کرد. در این نوشتار تلاش می‌شود با بررسی مرمت و احیای باغ بابر در شهر کابل، رویکرد و نحوه برخورد «محمد شهیر» را به عنوان یک معمار منظر در بازآفرینی این باغ تاریخی به چالش کشانده شود.

واژگان کلیدی: بازآفرینی، باغ تاریخی، فضای جمعی، منظر فرهنگی، محمد شهیر، باغ بابر.



تصویر ۱

Pic 1

تصاویر ۱ و ۲: باغ بابر به عنوان بزرگترین فضای جمعی، نقشی مهم و تعیین‌کننده در منظر شهری کابل دارد. مأخذ: www.flickr.com

Pics1&2: As the largest Public space of the Kabul, Babur garden has an important and decisive role in the city's urban landscape. Source: www.flickr.com



تصویر ۲

Pic 2

می‌داند و معتقد است مرمت باغ صرفاً بازسازی مشابه آن نیست (آتشین‌بار، ۱۳۹۰). وی در احیای پارک ویلارسو (Villarceaux) به عنوان یک باغ تاریخی، برگزاری رویدادهایی از جمله مراسم فرهنگی و کنسرت و حضور این باغ را در زندگی روزمره شهروندان بسیار مؤثر دانسته است (شهسوارگر، ۱۳۹۰). بنابراین در رویکردهای نوین مرمت و احیای باغ‌های تاریخی، حضور انسان معاصر نقشی تعیین کننده ایفا می‌کند.

اقدامات مرمتی باغ بابر

مرمت و احیای این باغ تاریخی با مساحتی حدود ۱۱ هکتار، در سال ۲۰۰۲ میلادی توسط گروه AKTC/HCSF^۱ و با همکاری دپارتمان بناهای تاریخی، مؤسسه باستان‌شناسی وزارت اطلاعات و فرهنگ و شهرداری کابل آغاز شد. از ویژگی‌های مهم آن می‌توان به قرارگیری مقبره بابر، مطابق بودن و حضور قوی آب در محور اصلی اشاره کرد. از همان ابتدا به دلیل نقش مهمی که این باغ در شهر کابل به‌عنوان یک فضای باز شهری ایفا می‌کرد، هدف پروژه به این صورت تعیین شد که مرمت باغ در راستای بازگرداندن هویت اصلی منظر و حفظ بناهای کلیدی آن باشد، به‌طوری‌که باغ تاریخی به عنوان بزرگ‌ترین فضای جمعی شهر برای تفریح و استفاده ساکنان شهر باقی بماند؛ در واقع بازماندن کامل باغ بر روی تمام مردم شهر، عملی بوده که از سوی تمام ساکنین کابل مورد استقبال قرار گرفته است. اقدامات مهم حفاظتی-مرمتی انجام شده شامل بازسازی مقبره بابر، مسجد و دیوار سرتاسری اطراف باغ، طراحی متمایز منظر باغ (بازنده‌سازی منظر باغ با توجه به اسناد تاریخی به صورتی که برای انسان امروزه جذاب و قابل استفاده باشد)، مرمت و تغییر کاربری کاخ ملکه، عمارت کلاه فرنگی و کاروانسرا، بازسازی محور اصلی و احیای ساختار هیدرولیکی آب، تغییر مکان استخر عمومی و بالا بردن خدمات‌رسانی به ساکنان بافت مجاور این باغ تاریخی از جمله دسترسی به آب سالم، تأمین بهداشت و احداث کانال است. توجه اولیه در مرمت عناصر معماری باغ با تأکید بر حفظ شیب‌بندی زمین با دقت و اهتمام فراوان براساس تصاویر و مستندات تاریخی موجود صورت گرفته و ساختمان‌ها کاملاً مشابه نمونه اولیه خود بازسازی شده‌اند. کاشت درختان و انتخاب نوع آنها براساس توضیحات بابر در خاطراتش صورت گرفته است. اما اقدام مهم محمد شهیر، بازآفرینی منظر باغ بوده است. دو مؤلفه اصلی منظرساز باغ (محور اصلی و نمایش دوباره حضور آب) مورد تأکید اصلی قرار گرفت. این امر با توجه به اسناد باستان‌شناسی، شرح‌های تاریخی و تصاویر موجود صورت گرفته و موجب شده است هویت اصلی منظر باغ احیا شود. در این میان توجه اصلی به عناصر منظرین کلیدی در ایده اولیه شکل‌گیری باغ و بازسازی حرکت آب روان از میان ستون فقرات باغ بوده است. این عمل باعث شده بازدیدکنندگان هنگام بالارفتن از پله‌ها با مشاهده حرکت آب در حوض‌ها، آبشارهای پیاپی و حرکت در سایه درختان طراحی شده، تجربه بصری مهیج و درکی صحیح از منظر باغ داشته باشند.

پس از حصول اطمینان از حفاظت بناها و منظر باغ برای نسل‌های آینده، گام نهایی و تعیین‌کننده در نقش و زندگی آینده باغ، اجرای برنامه‌های توانمندسازی و آماده‌سازی برای حضور روزمره ساکنان محلی و همچنین جذب بازدیدکنندگان برای توسعه پایدار در برنامه مرمتی بود که در این راستا تلاش شد با شناسایی راهکارهایی که موجبات افزایش درآمد‌ها از امکانات این باغ فراهم شود. با توجه به این مسئله عمارت کلاه فرنگی و کاخ ملکه مرمت، استخر شنای جمعی و کاروانسرا بازسازی شدند و به منظور اجرای فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی مورد استفاده قرار گرفتند (Nanda & Leslie, 2007; http://www.akdn.org/publications/2004_afghanistan_babur.pdf).

رویکرد منظرین در بازآفرینی و احیای باغ

محمد شهیر به عنوان یک معمار منظر و آشنا با عناصر و عوامل دخیل در این پدیده به هنگام مرمت باغ تاریخی بابر به‌گونه‌ای متفاوت برخورد کرده و بازسازی باغ را تنها محدود به حفاظت منظر تاریخی و فرهنگی مؤلفه‌های شکل‌دهنده به باغ نداشته، بلکه برای احیای آن گام را از محدوده‌های فیزیکی باغ نیز فراتر برده است. وی با توجه به نقش تعیین‌کننده این باغ در منظر شهری کابل، شکل‌دهی اتفاقات جمعی و خاطرات مردمی و اینکه این باغ به عنوان بزرگ‌ترین محوطه عمومی شهر کابل مکانی برای تفریح، پیاده‌روی و حتی شنا کردن محسوب می‌شود؛ طرح مرمتی آن را تنها در بازسازی ساختمان‌های تاریخی ندیده بلکه به حضور انسان به عنوان عنصر اصلی شکل‌دهنده و درک‌کننده منظر باغ توجه و تلاش کرده با راهبردهایی مناسب در افزایش دخالت مردم و برقراری فعالیت‌های انسانی، به احیای این باغ بپردازد (تصاویر ۱ و ۲). البته در این میان از منظر فرهنگی و تاریخی که بر این باغ گذشته غافل نمانده و سعی کرده تمامی عوامل فرهنگی و تاریخی باغ را مدنظر قرار دهد؛ در واقع چالش اصلی وی برقراری تعادل میان نمادگرایی و واقعیت، حفظ عناصر

باغ‌های تاریخی به عنوان مناظر فرهنگی و تاریخی هر سرزمین سهمی اساسی در انتقال فرهنگ و تاریخ آن کشور دارند؛ این باغ‌ها بخشی از منظر فرهنگی هستند که در نتیجه تعامل میان فرهنگ و طبیعت پدید آمده‌اند و به عنوان شاخص‌ترین مصداق منظر در زمینه‌های مختلف فرهنگی و تاریخی نمودهای متفاوتی یافته‌اند (شهسوارگر، ۱۳۹۰). از سوی دیگر تفاوت‌های باغسازی در سرزمین‌های مختلف نمایانگر نحوه برخورد گوناگون جوامع با طبیعت و میزان ارزش‌گذاری به آن بوده است. از این‌رو حفاظت این میراث ارزشمند از مهم‌ترین فعالیت‌های فرهنگی محسوب شده تا آنجا که امروزه رویکردهای متفاوتی در مرمت و احیای این مکان‌های تاریخی پدیدار شده است، به‌گونه‌ای که صرفاً حفظ و بازسازی کالبد باغ‌ها مدنظر نبوده و بازآفرینی منظر فرهنگی و احیای آنها در راستای بهره‌وری انسان امروزی از مهم‌ترین رویکردهای موجود محسوب می‌شود.

باغ دوره گورکانی به عنوان نمونه‌ای برگرفته شده از باغ ایرانی و سمرقند و به دلیل تحولات وسیع صورت گرفته تا تبدیل به باغ هندی از اهمیت بسیاری برخوردار است. تغییرات مفهومی و کالبدی این باغ و عناصر منظرین خاص آنها نمایانگر خصوصیات حاکمان گورکانی و نگاه آنها به قدرت‌طلبی و سلطه بر طبیعت است. در این میان علاقه بابر، بنیان‌گذار سلسله گورکانیان، به باغسازی موجب ایجاد باغ‌هایی با الهام از باغسازی ایرانی در سرزمین‌های دیگر شد که باغ بابر به عنوان یکی از مهم‌ترین این باغ‌ها است.^۱ این باغ تاریخی به دلیل نمایش گذار زیبایی‌شناسی باغ‌های ایرانی از سمرقند به باغ‌های هندی و همچنین نقشی که در منظر شهری امروز شهر کابل دارد، از جایگاهی ویژه برخوردار است. محمد شهیر معمار منظر هندی، تجربه فراوانی در بازسازی و بازآفرینی باغ‌های تاریخی دارد و مرمت و احیای باغ - مقبره همایون، باغ نظام‌الدین و باغ بابر که از سوی بنیاد آقاخان به وی محول شده را در کارنامه خود دارد. در این مقاله تفاوت نگاه شهیر به عنوان یک معمار منظر در بازآفرینی و احیای باغ بابر بررسی می‌شود که چگونه با رویکرد ویژه خود این باغ را به مکانی برای توسعه حیات شهر و شهروندان تبدیل کرده است.

فرضیه

محمد شهیر در بازآفرینی و احیای باغ تاریخی با اسناد به رویکردهای منظرین، علاوه بر حفاظت عناصر کالبدی و منظرسازی باغ، دخیل نمودن انسان و ایجاد فعالیت‌های انسانی را به عنوان راهبردی اساسی مورد توجه قرار می‌دهد و به این ترتیب به بازآفرینی و توسعه پایدار این گونه باغ‌ها به عنوان فضاهای جمعی مهم با بار فرهنگی-تاریخی در شهر می‌پردازد.

رویکردهای مرمت و احیای باغ‌ها و محوطه‌های تاریخی

با توجه به کنوانسیون ۱۹۷۲ میلادی از سوی کشورهای عضو یونسکو به منظور حفاظت از میراث فرهنگی و طبیعی جهانی به تصویب رسید؛ مناظر فرهنگی به عنوان آثار فرهنگی که تلفیقی از فعالیت‌های انسان و طبیعت بوده و نمایانگر تکامل جامعه بشری و استقرار انسان‌ها در گذر زمان تلقی می‌شوند، باید حفظ و نگهداری شوند (درویش روحانی، ۱۳۸۸). این امر موجب شد تا در بیانیه‌ها و منشورهایی که از این پس نشر پیدا می‌کرد، مرمت و احیای مناظر فرهنگی و باغ‌های تاریخی به‌گونه‌ای خاص مورد توجه قرار گیرد و رویکردهای متفاوتی نسبت به این امر ایجاد شود. از مهم‌ترین منشورهایی که در خصوص مرمت باغ‌های تاریخی به ثبت رسیده است، می‌توان به منشور فلورانس اشاره کرد که در سال ۱۹۸۲ به تصویب رسید. در این منشور باغ تاریخی، اگرچه یادبود تاریخی زنده و دارای حیات است، اما به یک ترکیب معماری و باغداری اطلاق می‌شود که از نقطه‌نظر تاریخی یا هنری مورد توجه عموم است و به این دلیل باید آن را یک بنای تاریخی به حساب آورد و طبق منشور ونیز مرمت و حفظ شود (Icomos - IFLA, 1982). در این منشور به دلیل عدم توجه به برخی مؤلفه‌های غیر کالبدی و منظرین این فضاهای تاریخی، رویکردهایی متفاوت و متضاد در بازسازی و به ویژه احیای باغ‌های تاریخی و مناظر فرهنگی شکل گرفت؛ تا آنجا که مرمت منظر به عنوان نگرشی نو و همه‌جانبه‌نگر پدید آمد به‌طوری‌که هدف آن از یک‌سو حفاظت منابع طبیعی و احیای لایه‌های اکولوژیکی تخریب شده و از دیگر سو باززنده‌سازی ارزش‌های تاریخی و تقویت هویت فرهنگی منظر است. مهم‌ترین ویژگی این دیدگاه ضمن توجه به انسان به‌عنوان یکی از ارکان مهم می‌کوشد تا رابط‌های جدید بین مردم اجتماع و منظر طبیعی نیز ایجاد کند (پوریوسف‌زاده، بمانیان و انصاری، ۱۳۹۱). این نگاه ویژه به انسان در بازآفرینی و آماده‌سازی باغ‌های تاریخی نیز از مهم‌ترین اقداماتی است که امروزه معماران منظر در مرمت و احیای این مکان‌ها مدنظر قرار می‌دهند تا آنجا که آلن پروو (Alain Provost)، تفاوت معمار منظر را در مرمت باغ تاریخی، ابتکار و شجاعت وی



تصویر ۳

Pic 3



تصاویر ۳ و ۴ : برگزاری جشنواره‌ها و مراسم فرهنگی و هنری در محوطه‌های باغ بعد از مرمت، نقش مهمی در احیای آن داشته و موجب تبدیل آن به یکی از مهم‌ترین کانون‌های جمعی شهر شده است. مأخذ: www.wn.com

Pics3&4: Cultural and artistic festivals and ceremonies in the garden after restoration, has an important role in reviving and causes it to become one of the most important Public city centers. Source: www.wn.com



تصویر ۴

Pic 4

محمد شهپر در احیای باغ بابر علاوه بر اقدامات کالبدی و توجه به منظر فرهنگی و تاریخی آن، به حضور انسان به عنوان عنصر اصلی شکل دهنده و درک کننده منظر باغ توجه کرده و با راهبردهایی مناسب جهت افزایش دخالت و حضور مردم، علاوه بر انتقال ارزش های فرهنگی، باغ تاریخی را به فضای جمعی و پویا تبدیل کرده است.

تصویر ۵: محور اصلی باغ به عنوان یکی از مهمترین مؤلفه های شکل دهنده منظر باغ با توجه به اسناد و کاوش های باستان شناسی مرمت شد. مأخذ: www.enotes.com
Pic5: The main axis of the garden as one of the landscape garden components, according to the documents and archaeological excavations restored. Source: www.enotes.com

تصویر ۶: به منظور استفاده انسان امروز و حضور وی به عنوان عنصر پویاکننده فضا، در طرح کاشت از درختان سایه دار بهره برده شد. مأخذ: www.bridgesthatunite.ca
Pic6: In order to use the Contemporary man and his presence as a live element, in the planting, shaded trees used. Source: www.bridgesthatunite.ca

امکانات مدرنی مورد نیاز بازدیدکنندگان معاصر باغ را در خود جای می دهد که شامل نمایشگاه، مرکز اطلاعات، واحدهای تجاری و اداری و کاربری های جمعی است. کاخ ملکه و حیاط وسیع جلوی آن بعد از مرمت به عنوان یکی از کانون های مهم اتفاقات مردمی مورد استفاده قرار گرفت (تصاویر ۳ و ۴). این امر در جهت توسعه پایدار و خودکفایی باغ نیز صورت گرفت به طوری که درآمدهای ناشی از این مراسم صرف هزینه نگهداری باغ می شود. اگرچه مرمت عناصر معماری باغ براساس اسناد و کاملاً مطابق با گذشته صورت گرفت، اما در بازسازی عناصر منظرین باغ به انسان امروزی توجه شده و طراحی به صورتی انجام گرفته تا پاسخگوی نیاز معاصر باشد. به طور مثال کاشت درختان برای حفظ یا بازسازی عناصر اصلی منظره پردازی گورکانی با این هدف انجام شد که باغ به عنوان کانونی برای تفریح و سرگرمی مردم نیز مناسب باشد؛ همچنین استفاده از درختان سایه دار و درختان میوه برای آسودگی بیشتر افراد و ارتباط فضاهای عمومی با ورودی های پیاده صورت پذیرفت (تصاویر ۵ تا ۷). حتی در بازسازی مقبره بابر، سطح تراس به گونه ای اصلاح شد تا با محیط اطراف خود در ارتباط باشد. با توجه به حضور استخر عمومی در داخل باغ و استفاده عموم از آن، در هنگام مرمت به منظور تداوم حضور مردم و از سوی دیگر حفظ منظر فرهنگی باغ، نه تانه استخر حذف نشد، بلکه با طراحی مناسب و امکانات مناسب تر به محوطه ای در کنار باغ انتقال داده شد.

از اقدامات متفاوت شهپر در مرمت و احیای این باغ می توان به بالابردن سطح خدمات دهی به محدوده مجاور آن اشاره کرد. در این راستا تلاش شد دسترسی به آب سالم و بهداشت ساکنین تأمین شده و حتی کانالی جهت مقابله با سیل احتمالی در منطقه مسکونی مجاور احداث شود. به طور کلی هدف محمد شهپر در بازسازی و احیای باغ تاریخی بابر، پشتیبانی از حفاظت و توسعه یک محوطه تاریخی در راستای کمک به حفظ میراث فرهنگی افغانستان و اطمینان از افزایش دسترسی عموم مردم از طریق روشی مناسب بوده است؛ به گونه ای که بسیاری از بازدیدکنندگان از این اقدام به عنوان نماد احیای فرهنگی در افغانستان نام برده اند.

نتیجه گیری

امروزه بازآفرینی باغ های تاریخی با توجه به نقش مهم آنها به عنوان راویان تاریخ و فرهنگ، اقدامی بایسته است؛ تا آنجا که احیا و بازآفرینی باغ ارزشمندتر و مهم تر از مرمت آن، و حضور انسان به عنوان عنصر پویایی بخش فضا در این مکان تاریخی پررنگ تر می شود. بهره بردن از فعالیت های جمعی، فرهنگی و ایجاد حرکت های مردمی علاوه بر احیای باغ های تاریخی می تواند آنها را به مراکز و فضاهای جمعی شهری تبدیل کند. رویکرد منظرین در بازآفرینی باغ دانشی قابل اتکا در احیای چندبعدی این دست آورد بزرگ تمدن به شمار می رود. تجربه محمد شهپر در پروژه مرمت و احیای باغ بابر نشان می دهد بازآفرینی یک باغ تاریخی فراتر از حفظ و بازسازی عناصر کالبدی و حتی منظرین آن است. در این اقدام اهمیت و تأثیر باغ بر بافت های مجاور و حتی ساکنان آن باعث شده برنامه بازآفرینی وارد مداخله در شهر شود و کیفیت زندگی مردم را تحت تأثیر قرار دهد. این نشان می دهد یک معمار منظر می تواند با بررسی و شناخت موفقیت خاص و پتانسیل های یک باغ تاریخی با افزودن امکانات مناسب جهت پاسخگویی به جامعه معاصر به عنوان مخاطب موجب حضور چشمگیر وی در این فضای تاریخی شده و حتی توسعه پایدار و خودکفا بودن آن را موجب شود.

پی نوشت

۱. در بایرنامه (زندگی نامه ظهیرالدین محمد بابر)، بسیاری از وقایع و رخداد های زندگی بابر در باغ روی می دهد و نشانگر آن است باغ در زندگی و ذهن بابر حضور بسیار چشمگیری داشته است. اهمیت و علاقه باغ برای بابر آنجا بیشتر خودنمایی می کند که در بایرنامه شرح می دهد اوقات فراغت خود را غالباً در باغ می گذرانده است و بیشتر مراسم نظامی، تشریفاتی و خصوصی زندگی وی در باغها و عمارت های درون آنها جریان یافته است. علاقه او به باغ آنچنان بوده است که وصیت می کند وی را پس از مرگ در باغ بابر در کابل به خاک بسپارند.

Historic Cities Programme/Aga Khan Trust for Culture.۲

فهرست منابع

- آتشین بار، محمد. (۲۷ بهمن ۱۳۹۰). گفتگوی مجله منظر با آرن پروو. مجله منظر، ۳ (۱۷).
- پوربوسفنازاده، سارا؛ بمانیان، محمدرضا و انصاری، مجتبی. (۱۳۹۱). معیارهای مرمت منظر محوطه های تاریخی و طبیعی با تأکید بر محوطه بیستون... کرمانشاه. مجله باغ نظر، ۹ (۲۲).
- درویش روحانی، شیرین. (۱۳۸۸). حفاظت از میراث فرهنگی و طبیعی جهانی. کنوانسیون ۱۹۷۲. فصلنامه اثر، (۴۴): ۱۱۰-۱۰۸.
- شهسوارگر، مولود. (۱۳۹۰). تداوم منظر فرهنگی. مجله منظر، (۱۷): ۵۹-۵۴.



شاخص منظر باغ و بناهای تاریخی در حین حصول اطمینان از دسترسی عموم مردم برای تفریح، آموزش و کمک به بازیابی نقش منطقه، گسترده تر از محدوده باغ بوده است. در این راستا اهداف برنامه بازآفرینی وی به صورت زیر قابل تقسیم بندی است:

۱. مرمت باغ به عنوان یک فضای جمعی سبز وسیع با توجه به ریشه های تاریخی آن.
۲. حفاظت و بازسازی ساختارها و عناصر تاریخی مهم باغ.
۳. به روزرسانی و نگهداری از این محوطه تاریخی با استفاده از برنامه و مدیریت مناسب پایدار.
۴. توسعه ظرفیت های بومی به منظور برنامه ریزی و مدیریت فعالیت های حفاظتی.

به این ترتیب، تلاش جهت ایجاد فعالیت های مردمی و احیای باغ به منظور بهره وری انسان امروزی صورت پذیرفت. در این راستا مجموعه جدید کاروانسرا، گستره وسیعی از



Rehabilitating the cultural landscape

Landscape approaches used for revival of the Babur's historical garden

Shervin Goodarzian, M.A. in Landscape Architecture, Imam Khomeini International University of Qazvin, Iran. shervin.goodarzian@gmail.com

Abstract: The notability and value of historic gardens from cultural landscape aspect and the role of these gardens in restating the culture and civilization of a society have made the protection and rehabilitation programs twice as important. Therefore, in countries with renowned ancient landscape and gardening civilization, an important part of conservation and rehabilitation programs is allocated to the preservation, restoration and rehabilitation of the site and historic gardens. On the other hand, the importance of this issue has led to establishment of various and even opposite approaches in restoration and rehabilitation of this cultural heritage as well as declaration of multiple charts and statements about the revival of other historical sites in this area. Although differences in these approaches are found, it is clear that mere restoration of historic is not enough and there should be an effort to create a variety of functions and activities to bring people and modern city life to these places.

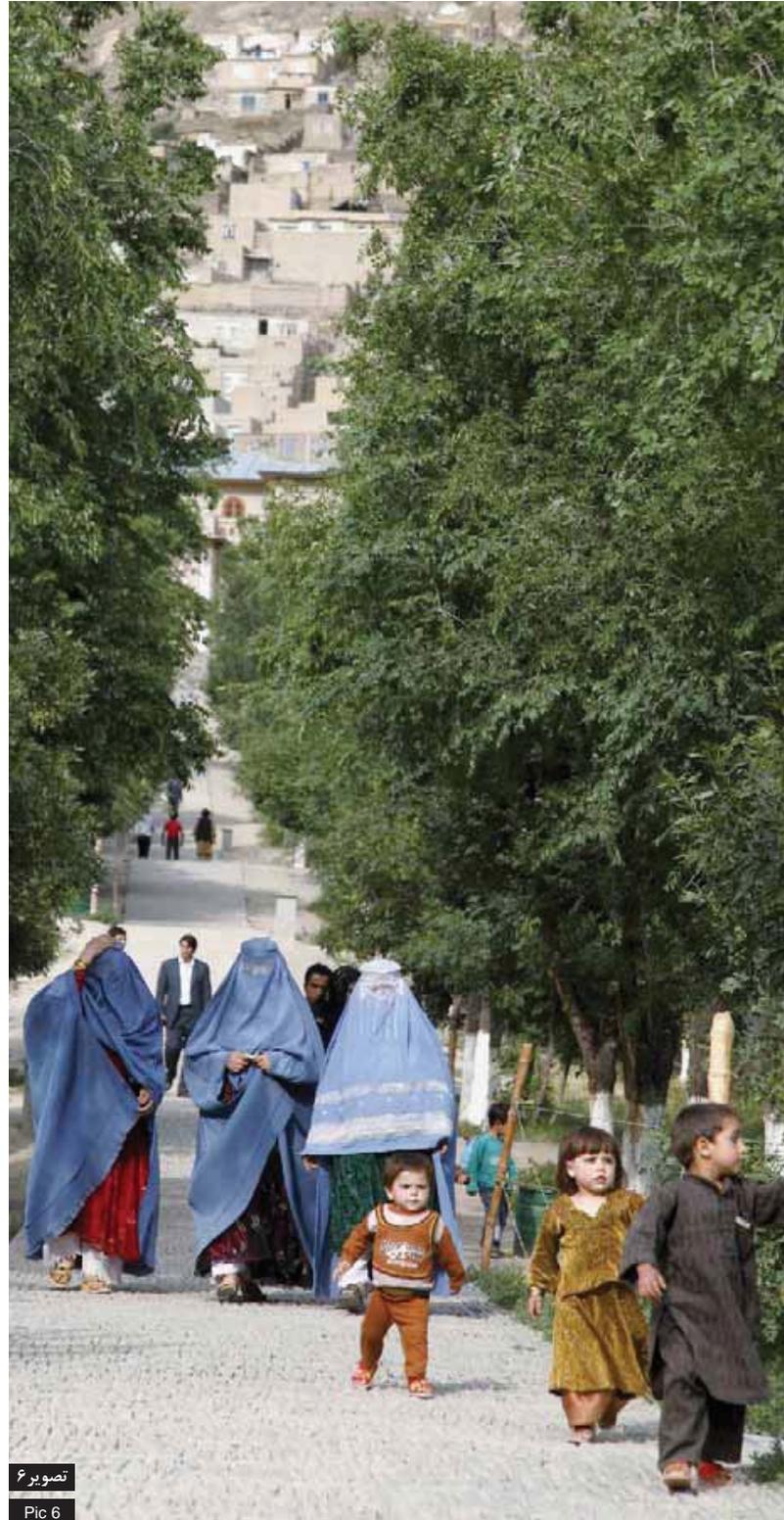
The remarkable thing is that in many of these approaches the human life is considered as a key element in revitalization and rehabilitation of these spaces. Since the historic gardens are parts of the cultural landscape and considered cultural achievements of each community, their physical preservation is not enough and regarding their hidden historic and cultural layers, the transfer of cultural values involves the human presence in space. Therefore, the landscape architect has acted differently in rehabilitation of historic gardens and has considered various factors in this process. Meanwhile, the knowledge of landscape relying on different aspects of history, culture, environment and city, in restoration and rehabilitation of historic gardens embraces the modern culture and context of the city in order to connect the cultural-historic achievements. Therefore, this new approach looks upon rehabilitation of gardens as places for assembling people in order to revive them. As a result, these gardens will be considered historic collective spaces and they will turn into dynamic public places by bringing human and cultural activities to these places to preserve and transfer cultural values. This paper tries to challenge Mohammad Shaheer's approach as a landscape architect in rehabilitation of this historic garden by reviewing the restoration and rehabilitation of Babur gardens.

Mohammad Shaheer's experience in restoration and rehabilitation of Babur gardens showcases that the revival of a historic garden goes beyond preservation and restoration of physical and even landscape elements. In this case, the importance and impact of the garden on adjacent city structure and residents has led to the intervening of the rehabilitation program in the city to affect the quality of life for people. It shows that a landscape architect can review and identify specific and potentials of a historic garden and facilitate them appropriately to meet the needs of contemporary community and generate a significant presence of people in this historic place and eventually guarantee its self-sufficiency and sustainable development.

Keywords: Rehabilitation, Historic garden, Collective space, Cultural landscape, Mohammad Shaheer, Babur garden.

Reference list

- Atashinbar, M. (16 February 2012). *MANZAR's interview with Alain Provost. Journal of MANZAR* 3 (17).
- Babur's Garden Rehabilitation Framework. Available from: http://www.akdn.org/publications/2004_afghanistan_babur.pdf (accessed 15 July 2012).
- Darvish Rowhani, Sh. (2010). Safeguarding world cultural and natural heritage. *ATHAR* (44): 108- 110.
- Nanda, R. & Leslie, J. (2007). Rehabilitating the Garden of Babur and its Surroundings in Kabul. *Urban Conservation and Area Development in Afghanistan*: 21- 41. Available from: http://www.akdn.org/publications/2007_akhcp_afghanistan.pdf (accessed 10 July 2012).
- Shahsavari, M. (2012). The cultural landscape continuity reconstruction and revitalization of a historic garden. *Journal of MANZAR*, 3 (17): 54- 59.



تصویر ۶

Pic 6